

لایحه آیین دادرسی کیفری (اعاده شده از شورای نگهبان)

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p>در صدر ماده (۸) عبارت «که دارای جنبه الهی است» بعد از عبارت «و جرم» اضافه گردید.</p> <p>در بند (الف) ماده (۸) عبارت «به حدود و مقررات الهی» حذف گردید.</p> <p>تبصره ذیل به ماده (۸) الحاق گردید:</p> <p>تبصره منظور از جرم همان است که در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مقرر است.</p>	<p>۱_ واژه «جرم» در ماده (۸) از این حیث که آیا مراد از آن، جرم قانونی است یا اعم از جرم شرعی و قانونی، روشن نیست و ابهام دارد؛ پس از بیان مراد اظهار نظر می‌گردد.</p> <p>۲_ با توجه به اینکه کلیه جرایم در نظام اسلامی دارای جنبه الهی هستند و حقوق الهی در بسیاری از آنها ملحوظ نظر قرار گرفته است، بنابراین حقوق جامعه و نظم عمومی را در مقابل حفظ حدود و مقررات الهی قرار دادن در ماده (۸) نادرست است و باید دو بند این ماده اصلاح شوند.</p>	<p>ماده ۸_ محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم می‌تواند دو حیثیت داشته باشد: الف_ حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی</p> <p>ب_ حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین</p>
<p>در بند (الف) ماده (۹) عبارت «حدود و مقررات الهی یا» حذف گردید.</p>	<p>۳_ بند (الف) ماده (۹) همان اشکال بند (الف) ماده (۸) را دارد باید اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۹_ ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود: الف_ دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی</p> <p>ب_ دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص</p>
<p>تبصره (۲) ماده (۱۳) حذف گردید.</p>	<p>۴_ اطلاق متوقف شدن تعقیب در تبصره (۲) ماده (۱۳)، در مواردی که ثابت شود مرتکب در حال ارتکاب جرم عاقل بوده است، به نحوی که اگر در حال تعقیب و صدور حکم عاقل هم بود، نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۱۳_ ...</p> <p>الف_ ...</p> <p>تبصره ۲_ هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب متوقف می‌شود.</p>
<p>***</p>	<p>۵_ منافع ممکن‌الحصول اختصاص به مواردی دارد که صدق اتلاف کند مانند کسی که از قبل برای کاری اجیر شده باشد، بنابراین در ماده (۱۴) اطلاق آن در غیر موارد مذکور خلاف موازین شرع است. همچنین در مواردی که از جهت شرعی و قانونی برای آن دیه تعیین شده ولو اینکه منافع ممکن‌الحصول دارد، شمول حکم منافع ممکن‌الحصول به آن خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۱۴_ شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیانهای مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
***	<p>۶_ در تبصره (۱) ماده (۱۴) با قبول اصل جبران خسارت معنوی، حکم به خسارت مالی در مواردی که از نظر شرع یا قانون، تعزیر و دیه تعیین و در دادگاه در مورد آن حکم صادر شده، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۱۴_ ... تبصره ۱_ زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.</p>
<p>تبصره (۲) ماده (۱۴) به شرح ذیل اصلاح گردید: تبصره ۲_ منافع ممکن‌الحصول تنها به زمانی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مربوط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل تعزیرات منصوص شرعی و مواردی که دیه پرداخت می‌گردد، نمی‌شود.</p>	<p>۷_ در تبصره (۲) ماده (۱۴) پرداخت خسارتهای مازاد بر دیه، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۱۴_ ... تبصره ۲_ هزینه‌های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد، مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله، قابل مطالبه است.</p>
***	<p>۸_ در مورد ضرر و زیان مذکور در ماده (۱۵) مبنیاً بر ایرادات معموله در ماده (۱۴) و تبصره‌های آن اشکال دارد.</p>	<p>ماده ۱۵_ پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.</p>
<p>_ در بند (ب) ماده (۲۹) عبارت «با مصوبه شورای عالی امنیت ملی» حذف گردید.</p>	<p>۹_ در بند (ب) ماده (۲۹)، تعیین ضابط با مصوبه شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصول ۸۵ و ۱۷۶ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۹_ ضابطان دادگستری عبارتند از: الف_ ... ب_ ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.</p>
<p>_ در انتهای تبصره ماده (۲۹) عبارت «این مسؤولیت نافی مسؤولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.»</p>	<p>۱۰_ تبصره ماده (۲۹) ایهام نفی مسؤولیت از کارکنان وظیفه در فرض وقوع تخلف از ناحیه آنان را دارد، پس لازم</p>	<p>ماده ۲۹_ ... تبصره_ کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این</p>

متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)
مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.	است موضوع روشن شود تا اظهار نظر شود.	اضافه گردید.
<b>ماده ۳۰</b> - احراز عنوان ضابط دادگستری، منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقدامات صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است.	<b>۱۱</b> - شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطین کافی نمی‌باشد؛ باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن ملحوظ گردد و الاً خلاف موازین شرع است.	در صدر ماده (۳۰) عبارت «علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن» بعد از عبارت «ضابط دادگستری» اضافه گردید.
<b>ماده ۳۰</b> ... <b>تبصره ۲</b> - آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزراء اطلاعات، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و کشور از طریق نیروی انتظامی تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	<b>۱۲</b> - در تبصره (۲) ماده (۳۰)، تصویب آیین‌نامه در این خصوص طبق اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی از وظایف رئیس قوه قضائیه بوده و سلب حق از رئیس قوه و اعطاء آن به قوه مجریه مغایر اصول مذکور شناخته شد.	در انتهای تبصره (۲) ماده (۳۰) عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.» جایگزین عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه، به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.» گردید.
<b>ماده ۳۱</b> - به‌منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای است که وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه می‌کند و پس از تصویب آن از سوی هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.	<b>۱۳</b> - اطلاق واگذاری تهیه لایحه در ماده (۳۱)، در مواردی که لایحه قضایی مربوط به ضابطین امور قضایی است به هیأت وزیران و سلب اختیار از رئیس قوه قضائیه، مغایر بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی است.	در انتهای ماده (۳۱) عبارت «وزارت کشور با همکاری وزارت دادگستری حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون تهیه می‌کند و پس از تصویب آن از سوی هیأت وزیران به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود.» حذف و عبارت «توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود.» جایگزین گردید.
<b>ماده ۴۱</b> - ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضائی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.	<b>۱۴</b> - اطلاق عدم اختیار اخذ تأمین از متهم در ماده (۴۱)، در مواردی که مستلزم نگهداری و بازداشت او باشد و در صورتی که بیم فرار و تبانی و یا مفسده دیگری نباشد و بتوان وی را با اخذ تأمین مناسب تا مراجعه بعدی آزاد نمود، خلاف موازین شرع شناخته شد.	در انتهای ماده (۴۱) عبارت «در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضائی طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود.» اضافه گردید.
<b>ماده ۴۴</b> - ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرائم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضائی مناسب اتخاذ می‌کند. ضابطان دادگستری درباره جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به‌عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه	<b>۱۵</b> - در ماده (۴۴)، با توجه به ذیل ماده (۴۶) در مواردی که احتمال یا محتمل قوی نبوده و نیز قرائن مذکور به نظر ضابط کافی نباشد، نگهداری متهم خلاف موازین شرع است.	در انتهای ماده (۴۴) عبارت «ضابطان دادگستری در اجرای این ماده و ذیل ماده (۴۶) این قانون فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.» اضافه گردید.

متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)
وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را أخذ و در پرونده درج می‌کنند.		
ماده ۵۰_ شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آن که بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای أخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند.	۱۶_ در ماده (۵۰)، تحدید ضرورت به خصوص تحقیقات، اشکال دارد.	_ در سطر سوم ماده (۵۰) کلمه «تحقیقات» حذف گردید.
ماده ۶۳_ تخلف از مقررات مواد (۳۰)، (۳۴)، (۳۵)، (۳۷)، (۳۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۱)، (۴۲)، (۴۹)، (۵۱)، (۵۲)، (۵۳)، (۵۵)، (۵۹) و (۱۴۱) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.	۱۷_ ماده (۶۳)، مبنیاً بر ایرادات معموله در مواد مذکور ایراد دارد.	***
ماده ۶۵_ هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند قرائن و امارات دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی‌توان شروع به تعقیب کرد، مگر آن که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.	۱۸_ در ماده (۶۵)، صرف ادعای ناظر بودن در صورتی که شاهد متهم به کذب و دشمنی باشد و مستلزم محدودیتی برای طرف باشد، اشکال دارد؛ اگر مانند ماده (۶۷) اصلاح شود، اشکال رفع می‌شود. همچنین اطلاق قسمت اخیر در مواردی که محتمل مهم است نظیر کودتا یا وقوع جرایم تروریستی اشکال دارد.	_ در سطر دوم ماده (۶۵) بعد از عبارت «غیرقابل گذشت باشد»، عبارت «در صورتی که قرائن و اماراتی مبنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد»، اضافه گردید. همچنین به انتهای ماده فوق‌الذکر عبارت «یا جرم از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی باشد»، اضافه گردید.
ماده ۶۶_ ... تبصره ۱_ در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او أخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمانهای مذکور با أخذ رضایت قیم اتفاقی یا تأیید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.	۱۹_ انحصار به طفل در تبصره (۱) ماده (۶۶)، چون مفهوماً مجنون و سفیه را خارج نموده است، اشکال دارد.	_ در سطر دوم تبصره (۱) ماده (۶۶) بعد از عبارت «بزه دیده طفل» عبارت «یا مجنون و در جرایم مالی در صورتی که سفیه» اضافه گردید.
ماده ۶۶_ ... تبصره ۳_ شرایط، نحوه ورود و اسامی سازمانهای مردم نهاد، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	۲۰_ تبصره (۳) ماده (۶۶) از حیث مرجع تصویب، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی است.	_ در انتهای تبصره (۳) ماده (۶۶) عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» جایگزین گردید.
ماده ۷۱_ در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. همچنین در مورد بزه دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی	۲۱_ اطلاق موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم در غیر محجور در ماده (۷۱)، خلاف موازین شرع است.	_ در سطر آخر ماده (۷۱) قبل از عبارت «موقوف شدن» عبارت «در خصوص افراد محجور» اضافه گردید.

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
		یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوی هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند. در این صورت، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.
<p>در سطر سوم بند(الف) ماده(۹۶) بعد از عبارت «وجود داشته باشد و» عبارت «طریق دیگری برای دستیابی به آنان موجود باشد» اضافه گردید.</p>	<p>۲۲_ در ماده (۹۶)، در صورتی که راه اقدام، منحصر به امور مذکور در این ماده و به قدر لزوم نه بیشتر نباشد، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۹۶_ انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:</p> <p>الف_ متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده(۳۰۲) این قانون و جرائم عمدی دارای مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر، که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.</p>
<p>در تبصره(۲) ماده(۱۰۰) بعد از عبارت «طبقه‌بندی شده» عبارت «و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی» اضافه گردید.</p>	<p>۲۳_ اطلاق ماده (۱۰۰)، در خصوص اسناد و مطالب و مدارکی که اطلاع شاکی از آنها حرام است، خلاف موازین شرع می‌باشد همچنین شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که شرعاً یا قانوناً ممنوع است امتناع کند مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالحه.</p>	<p>ماده ۱۰۰_ شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورتمجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد.</p> <p>تبصره ۱_ ...</p> <p>تبصره ۲_ ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده به شاکی ممنوع است.</p>
<p>در دوسطر اول ماده(۱۱۴) عبارت «جلوگیری از تمام یا بخشی از فعالیت شرکت‌های تجارتي و کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی ممنوع است» حذف و عبارت «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاهها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن» جایگزین آن گردید.</p>	<p>۲۴_ حصر ممنوع بودن به موارد مذکور در ماده (۱۱۴) که موجب تعطیلی مشاغل دیگری از قبیل امور تجاری تجارخانه، یا کشاورزی و خدماتی می‌شود، وجه شرعی ندارد.</p>	<p>ماده ۱۱۴_ جلوگیری از تمام یا بخشی از فعالیت شرکت‌های تجارتي و کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، مصلحت امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است.</p>
<p>در انتهای ماده(۱۲۷) عبارت «مشروط به این که به تشخیص بازپرس حضور آنان ضرورت داشته باشد.» اضافه گردید.</p>	<p>۲۵_ در ماده (۱۲۷)، اطلاق الزام به حضور و جلب اشخاص نسبت به مواردی که «حضور» آنان ضرورت ندارد، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۱۲۷_ هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، شهود و مطلعان نیز دعوت می‌شوند. در موارد ضروری، بازپرس می‌تواند دیگر اشخاصی را که حضور آنان لازم است به محل دعوت کند. چنانچه اثبات حق به اظهارات اشخاص موضوع این ماده منحصر باشد و آنان بدون عذر موجه حاضر نشوند، بازپرس دستور جلب آنان را صادر می‌کند.</p>
<p>در سطر دوم تبصره ماده(۱۳۰) کلمه «آیین‌نامه‌ای» به</p>	<p>۲۶_ تبصره ماده (۱۳۰) ابهام دارد؛ اگر منظور آیین‌نامه</p>	<p>ماده ۱۳۰_ صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p>عبارت «<u>آیین‌نامه اجرائی</u>» اصلاح گردید. همچنین در انتهای تبصره ماده فوق‌الذکر عبارت «<u>پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</u>» به عبارت «<u>به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد</u>» اصلاح گردید.</p>	<p>اجرائی است، تصریح شود. همچنین در صورتی که منظور آیین‌نامه اجرائی می‌باشد تصویب آن توسط هیأت وزیران مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و عنداللزوم سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.</p> <p><u>تبصره</u> - حدود اختیارات، شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط این گروه به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور با همکاری نیروی انتظامی و سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p>
<p style="text-align: center;">***</p> <p>یک تبصره به ماده (۱۳۲) به عنوان تبصره (۲) به شرح ذیل الحاق و تبصره فوق به عنوان تبصره (۱) منظور گردید:</p> <p><u>تبصره ۲- اجرای مقررات این ماده و ماده (۱۳۱) منوط به رعایت موازین شرعی است.</u></p>	<p>۲۷- در مواد (۱۳۱) و (۱۳۲)، رعایت ضوابط شرعی الزامی است.</p>	<p>ماده ۱۳۱- بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، نسبت به ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و غیره اقدام و دستورهای لازم را صادر می‌کند.</p> <p>ماده ۱۳۲- هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علائم و مشخصات جسد به‌طور دقیق در صورت مجلس قید می‌گردد و اثر انگشتان دست متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت وی به هر نحو که مقتضی بدانند، اقدام می‌شود.</p> <p><u>تبصره</u> - در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند.</p>
<p>ماده (۱۳۳) به شرح ذیل اصلاح گردید:</p> <p><u>ماده ۱۳۳- ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و در غیرموارد ضروری تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، از ورود و خروج افراد به آن محل جلوگیری کنند.</u></p>	<p>۲۸- در ماده (۱۳۳)، در خصوص ممنوعیت ورود باید موارد ضرورت استثناء شود.</p>	<p>ماده ۱۳۳- ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل، از ورود افراد و در صورت ضرورت از خروج آنان از آن محل جلوگیری کنند.</p>
<p>در سطر دوم تبصره ماده (۱۴۵) بعد از عبارت «برائت صادر شود»، عبارت «<u>همچنین مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد حتی اگر موضوع به صدور قرار مجرمیت یا محکومیت متهم منجر</u></p>	<p>۲۹- در ماده (۱۴۵) در مواردی که امتناع کننده شخص مجرم نباشد و حتی موضوع به مجرمیت و محکومیت منتهی شود باید تکلیف خسارت وارده به صاحب مال روشن شود.</p>	<p>ماده ۱۴۵- در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد بازرسی، از باز کردن محلها و اشیاء بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p><u>شود</u>، اضافه گردید.</p>		<p>تبصره_ در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، دولت مسؤول جبران خسارت است، مگر آن که تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می نماید.</p>
<p>_ در ماده (۱۴۷) عبارت «ممکن است موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم گردد» حذف و عبارت «مرتبط با کشف جرم یا اقرار متهم باشد» جایگزین گردید.</p> <p>_ در تبصره ماده (۱۴۷) عبارت «به تصویب» جایگزین عبارت «و پس از تأیید» شد و عبارت «تصویب هیأت وزیران» حذف گردید.</p>	<p>۳۰_ در ماده (۱۴۷)، چنانچه آلات و ادوات و ... با جرم ارتباط نداشته باشد، نیاز به دستور قضایی دارد. همچنین در تبصره این ماده تصویب آیین نامه توسط هیأت وزیران مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۴۷_ آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و تمامی اشیائی که حین بازرسی به دست می آید و ممکن است موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم گردد توقیف می شود و هر یک در صورت مجلس توصیف و شماره گذاری می گردد. آنگاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن اشیاء به صاحب یا متصرف آنها داده می شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می شود، نگهداری می گردد.</p> <p>تبصره_ شیوه نگهداری اموال و پرداخت هزینه های مربوط که از محل اعتبارات قوه قضائیه است، به موجب آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می رسد.</p>
<p>_ در سطر سوم ماده (۱۴۹) بعد از عبارت «سریع الفساد»، عبارت «در صورت عدم دسترسی به مالک» اضافه گردید.</p>	<p>۳۱_ اطلاق ماده (۱۴۹) نسبت به مواردی که مالک مشخص است و امکان دسترسی به وی وجود دارد، فروش مال خلاف موازین شرع است. و همچنین در مواردی که مدعی مالکیت همان قیمت را پرداخت می کند نیز در خرید اولویت دارد.</p>	<p>ماده ۱۴۹_ مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب است و یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن شود و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، حسب مورد، به تقاضای بازپرس و موافقت دادستان و یا دستور دادگاه به قیمت روز فروخته می شود. وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهائی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می شود.</p>
<p>_ در تبصره ماده (۱۷۵) عبارت «به تصویب» جایگزین عبارت «پس از تأیید» و عبارت «به تصویب هیأت وزیران» حذف گردید.</p> <p>_ در ماده (۱۷۶) عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران» حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه» جایگزین آن گردید.</p>	<p>۳۲_ تصویب آیین نامه قضائی توسط هیأت وزیران در تبصره ماده (۱۷۵) و نیز ماده (۱۷۶)، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۱۷۵_ استفاده از سامانه های (سیستم های) رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پیام نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضائی و همچنین نیابت قضائی با رعایت مقررات فصل دوم از بخش هشتم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.</p> <p>تبصره_ شرایط و چگونگی استفاده از سامانه های رایانه ای و مخابراتی موضوع این ماده بر اساس آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می رسد.</p> <p>ماده ۱۷۶_ قوه قضائیه می تواند ابلاغ اوراق قضائی را به بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
		وزراء دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.
<p>بند زیر به عنوان بند(ج) به ماده(۱۷۸) الحاق گردید:</p> <p><b>ج- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می‌شود.</b></p>	<p><b>۳۳- در ماده (۱۷۸) در صورتی که عذر دیگری غیر از موارد مذکور در این ماده عرفاً موجه تلقی گردد، بازپرس موظف است تا رفع عذر صبر کند و الاً خلاف موازین شرع است.</b></p>	<p><b>ماده ۱۷۸-</b> متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود:</p> <p>الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به‌گونه‌ای که مانع از حضور شود.</p> <p>ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.</p> <p>پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.</p> <p>ت- ابتلاء به حوادث مهم از قبیل بیماریهای واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد گردد.</p> <p>ث- متهم در توقیف یا حبس باشد.</p>
<p>متن ذیل به عنوان تبصره(۳) به ماده(۱۹۰) الحاق گردید:</p> <p><b>تبصره ۳- مفاد ماده(۱۹۱) در مورد این ماده نیز مجری است.</b></p>	<p><b>۳۴- اطلاق موارد مذکور در ماده (۱۹۰) در خصوص امور امنیتی و منافی عفت، خلاف موازین شرع شناخته شد.</b></p>	<p><b>ماده ۱۹۰-</b> متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورتجلسه نوشته می‌شود.</p> <p>تبصره ۱- سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود.</p> <p>تبصره ۲- در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.</p>
<p>در سطر سوم ماده(۱۹۳) عبارت «<b>سابقه کیفری</b>» حذف گردید.</p>	<p><b>۳۵- در ماده (۱۹۳) اطلاق بیان «سابقه کیفری» چون شامل مواردی می‌شود که تحقیق منوط به آن موارد نمی‌باشد، اشکال دارد.</b></p>	<p><b>ماده ۱۹۳-</b> بازپرس ابتداء اوراق هویت متهم را ملاحظه می‌نماید و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزند، تابعیت، سابقه کیفری و همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کدپستی منزل، شماره ملی، پیام نگار (ایمیل) و شماره تلفن ثابت و همراه او را به طور دقیق پرسش می‌کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضائی به متهم به آسانی مقدور باشد.</p>
<p>ماده(۲۰۰) به شرح ذیل اصلاح گردید:</p> <p>ماده ۲۰۰- بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم <b>مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و</b> در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند. <b>مترجم</b> باید سوگند یاد کند</p>	<p><b>۳۶- در ماده (۲۰۰)، مترجم باید مورد وثوق بازپرس باشد و در صورت امکان، رسمی هم باشد. علاوه بر این چنانچه شخص مذکور قسم نخورد باز هم مورد وثوق باشد ترجمه‌اش پذیرفته می‌شود.</b></p>	<p><b>ماده ۲۰۰-</b> بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق تعیین می‌کند. <b>مترجم مورد وثوق</b> باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.</p>



اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p>که راستگویی و امانتداری را رعایت کند. <u>عدم اتیان سوگند</u> سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق نیست.</p>		
<p>تبصره ماده (۲۰۲) با عنوان تبصره (۱) به شرح ذیل اصلاح و یک تبصره نیز به عنوان تبصره (۲) به ماده فوق الحاق گردید:</p> <p>تبصره ۱_ آیین نامه اجرائی این ماده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزراء بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می شود و به <u>تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.</u></p> <p><u>تبصره ۲_ چنانچه جرایم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می شود.</u></p>	<p>۳۷_ در ماده (۲۰۲)، چون تکلیف موردی را که مجازات آن دیه است، مشخص نکرده ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</p> <p>۳۸_ تصویب آیین نامه قضائی توسط هیأت وزیران در تبصره ماده (۲۰۲) مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۰۲_ هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش می باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند.</p> <p>تبصره_ آیین نامه اجرائی این ماده توسط وزیر دادگستری با همکاری وزراء بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می رسد.</p>
<p>_ در ماده (۲۰۴) عبارت «<u>ضروری تشخیص دهد</u>» جایگزین عبارت «<u>لازم بدانند</u>» گردید.</p>	<p>۳۹_ در تبصره (۱) ماده (۲۰۴)، اشکال ذیل ماده (۱۲۷) جاری است.</p>	<p>ماده ۲۰۴_ بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع لازم بدانند، برابر مقررات احضار می کند.</p> <p>تبصره ۱_ در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می شود. اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می شود.</p> <p>تبصره ۲_ در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات فصل دوم از بخش هشتم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید.</p>
<p>_ در ماده (۲۱۱) عبارت «<u>یا از اداء سوگند امتناع کند</u>»، حذف گردید.</p>	<p>۴۰_ در ماده (۲۱۱)، چنانچه شاهد واجد شرایط شرعی شهادت باشد، در صورت عدم اداء سوگند نیز، شهادت وی معتبر است.</p>	<p>ماده ۲۱۱_ بازپرس می تواند در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشد یا از اداء سوگند امتناع کند، بدون یادکردن سوگند، اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع کند.</p>
		<p>ماده ۲۱۴_ هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان</p>

متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)
وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: الف_ ... تبصره ۱_ در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد، مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، بازپرس به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند. ترتیبات این امر به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزارت دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	۴۱_ تصویب آئین‌نامه قضائی توسط هیأت وزیران در تبصره (۱) ماده (۲۱۴)، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.	_ در تبصره (۱) ماده (۲۱۴) عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» جایگزین آن گردید.
ماده ۲۴۱_ هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس ظرف پنج روز به‌طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یک‌بار می‌تواند این درخواست را مطرح کند.	۴۲_ در ماده (۲۴۱) قید «فوراً و حداکثر پنج روز» جایگزین «ظرف پنج روز» گردد و الأشکال دارد.	_ در سطر پنجم ماده (۲۴۱) عبارت «به‌طور فوری و حداکثر» قبل از عبارت «ظرف پنج روز» اضافه گردید.
ماده ۲۵۲_ شیوه اجرای قرارهای نظارت و بندهای (ج) و (چ) ماده (۲۱۷) این قانون، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزراء دادگستری و کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	۴۳_ در ماده (۲۵۲) تصویب آئین‌نامه قضایی توسط هیأت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.	_ در ماده (۲۵۲) عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» جایگزین آن گردید.
ماده ۲۶۱_ شیوه رسیدگی و اجرای آراء کمیسیونهای موضوع مواد (۲۵۷) و (۲۵۸) این قانون، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.	۴۴_ در ماده (۲۶۱)، تصویب آئین‌نامه قضائی توسط هیأت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.	_ در ماده (۲۶۱) عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد» حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» جایگزین آن گردید.
ماده ۲۸۶_ علاوه بر موارد مذکور در ماده (۲۰۳) این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز، تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.	***	_ در ماده (۲۸۶) عبارت «ماده (۲۰۳)» به عبارت «ماده (۳۰۲)» اصلاح گردید.
ماده ۲۹۷_ دادگاه انقلاب در جرائم موجب مجازات مندرج در بندهای «الف» و «ب» ماده (۳۰۲) این قانون با حضور رئیس یا دادرسی‌علی‌البدل و چهار عضو مستشار و در جرائم موجب مجازات مندرج	۴۵_ عبارت «بنا به تقاضای رئیس دادگستری استان» در ماده (۲۹۷) از حیث ایجاد محدودیت برای رئیس قوه	_ در سطر آخر ماده (۲۹۷) عبارت «به تقاضای رئیس دادگستری استان و موافقت» حذف و عبارت «به

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p><u>تشخیص</u> جایگزین آن گردید.</p> <p>در تبصره ماده (۲۹۷) عبارت «<u>در فصل چهارم از بخش سوم</u>» حذف و کلمه «<u>در</u>» جایگزین آن گردید.</p>	<p>قضائیه، مغایر بند یک اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>در بند «پ» و «ت» آن ماده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و دو عضو مستشار و در سایر موارد دارای صلاحیت با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل در مرکز هر استان تشکیل می‌شود و تشکیل آن در سایر حوزه‌های قضائی به تقاضای رئیس دادگستری استان و موافقت رئیس قوه قضائیه است.</p> <p>تبصره_ مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک به شرح مندرج در فصل چهارم از بخش سوم این قانون در دادگاه انقلاب، در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند جاری است.</p>
<p>در سطر اول ماده (۲۹۹) عبارت «<u>پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب</u>» حذف و عبارت «<u>تشخیص</u>» جایگزین آن گردید.</p> <p>در تبصره (۱) ماده (۲۹۹) عبارت «<u>پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب</u>» حذف و کلمه «<u>تشخیص</u>» جایگزین آن گردید.</p> <p>در تبصره (۲) ماده (۲۹۹) عبارت «<u>پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب</u>» حذف و کلمه «<u>تشخیص</u>» جایگزین آن گردید.</p>	<p>۴۶_ در ماده (۲۹۹) و تبصره‌های آن نیز عبارت «به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان»، از حیث ایجاد محدودیت برای رئیس قوه قضائیه، مغایر بند یک اصل ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۲۹۹_ در صورت ضرورت به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه در حوزه بخش، دادگاه عمومی بخش تشکیل می‌شود. این دادگاه به تمامی جرائم به جز جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون رسیدگی می‌کند.</p> <p>تبصره ۱_ به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، تشکیل دادگاه عمومی بخش در شهرستانهای جدید که به لحاظ قلت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورتی به تشکیل دادگستری نباشد بلامانع است.</p> <p>تبصره ۲_ به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه، در حوزه قضائی بخشهایی که به لحاظ کثرت میزان دعاوی حقوقی و کیفری، ضرورت ایجاد می‌کند، تشکیل دادگستری با همان صلاحیت و تشکیلات دادگستری شهرستان بلامانع است.</p>
<p>در سطر آخر ماده (۳۲۰) بعد از عبارت «<u>به دستور دادگاه</u>» عبارت «<u>در صورت وجود ضرورت حضور</u>» اضافه گردید.</p>	<p>۴۷_ در ماده (۳۲۰)، همانند ماده (۱۲۷)، اطلاق الزام به حضور نسبت به مواردی که حضور ضرورت ندارد، خلاف موازین شرع است.</p>	<p>ماده ۳۲۰_ شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه جلب می‌شود.</p>
<p style="text-align: center;">***</p>	<p>۴۸_ ماده (۳۵۸)، مبنیاً بر اشکال ماده (۱۹۳) باید اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۳۵۸_ دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن، ابتداء درمورد شخص متهم به شرح مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) این قانون اقدام و سپس به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند، اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت سخن نگویند، آنگاه رسیدگی را شروع می‌کند.</p>
<p>ماده (۳۶۷) به شرح ذیل اصلاح گردید:</p> <p>ماده ۳۶۷_ دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدهی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم <u>مورد وثوق از بین مترجمان رسمی</u> و در صورت عدم دسترسی به او، <u>مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند</u>. مترجم باید سوگند یاد کند که</p>	<p>۴۹_ ماده (۳۶۷)، باید به این مضمون اصلاح شود: «<u>مترجم باید مورد وثوق قاضی و در صورت امکان رسمی هم باشد چنانچه فرد مورد وثوق قسم نخورد و بازهم مورد وثوق باشد، ترجمه وی قبول می‌شود</u>». همچنین باید ماده (۲۰۰) هم به این نحو اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۳۶۷_ دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدهی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم رسمی و در صورت عدم دسترسی به او، مترجم مورد وثوق تعیین می‌کند.</p> <p>مترجم مورد وثوق باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p>راستگویی و امانتداری را رعایت کند. <u>عدم اتیان سوگند</u> <u>سبب عدم پذیرش ترجمه مترجم مورد وثوق</u> <u>نیست.</u></p>		
<p>یک تبصره به شرح ذیل به ماده (۳۷۰) الحاق گردید: <u>تبصره_ چنانچه جرایم مشمول این ماده مستلزم</u> <u>پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می</u> <u>شود.</u></p>	<p>۵۰_ ماده (۳۷۰)، همان ابهام ماده (۲۰۲) را دارد.</p>	<p>ماده ۳۷۰_ چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می گیرد.</p>
<p>ماده (۳۸۰) به شرح ذیل اصلاح گردید: <u>ماده ۳۸۰_ ابلاغ دادنامه به طرفین، وکیل آنان و</u> <u>دادستان تابع مقررات آیین دادرسی مدنی است.</u></p>	<p>۵۱_ در ماده (۳۸۰)، علاوه بر ایراد شورا در خصوص ماده (۱۰۰)، مبنی بر اینکه «در خصوص اسناد و مطالب و مدارکی که اطلاع شاکی از آنها حرام است، خلاف موازین شرع است همچنین شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که شرعاً یا قانوناً ممنوع است امتناع کند مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالحه.» در مواردی که محظورات امنیتی وجود دارد، دادن رونوشت مصدق اشکال دارد. البته در این خصوص ذی نفع باید از مفاد کامل رأی مطلع و خودش می تواند از آن استنساخ نماید.</p>	<p>ماده ۳۸۰_ دادنامه به طرفین، وکیل آنان و دادستان ابلاغ می شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد.</p>
<p>***</p>	<p>۵۲_ ماده (۳۹۶)، مبنیاً بر اشکال ماده (۱۹۳) باید اصلاح گردد.</p>	<p>ماده ۳۹۶_ رئیس دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمیت آن، ابتدا در مورد متهم به شرح مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) این قانون اقدام و سپس به وی اخطار می کند در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد و پس از آن به دیگر اشخاصی که در محاکمه شرکت دارند نیز اخطار می کند مطلبی برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت اظهار نکنند. پس از آن دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه، دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می کند. سپس رئیس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می نماید.</p>
<p>در ماده (۴۱۴) بعد از عبارت «<u>مصلحت طفل</u>» عبارت «<u>موضوع تبصره (۱) ماده (۳۰۴) این قانون،</u>» اضافه گردید.</p>	<p>۵۳_ اطلاق ماده (۴۱۴) در خصوص حضوری محسوب نمودن رأی دادگاه، در صورتی بالغ شرعی در تمام دادرسی حضور نداشته باشد، اشکال دارد.</p>	<p>ماده ۴۱۴_ هرگاه <u>مصلحت طفل</u> اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می شود.</p>
	<p>۵۴_ ماده (۴۷۷)، در خصوص تشخیص خلاف بین شرع، در صورتی موجب پذیرش اعاده دادرسی می شود که رئیس قوه</p>	<p>ماده ۴۷۷_ در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضائی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف بین شرع تشخیص دهد، با قبول اعاده دادرسی، پرونده را برای رسیدگی به</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p><u>در تبصره (۱) ماده (۴۷۷) عبارت «مفاد این ماده فقط برای یک بار قابل اعمال است.» حذف گردید.</u></p> <p><u>در تبصره (۲) ماده (۴۷۷) عبارت «در موارد اختلاف نظر بین فقهاء ملاک عمل، نظر ولی فقیه و یا مشهور فقهاء است.» حذف و عبارت «تشخیص این موضوع به عهده رئیس قوه قضائیه یا دونفر مجتهد عادل مورد وثوق وی است.» جایگزین آن گردید.</u></p>	<p>قضائیه شخصاً با مطالعه پرونده و لحاظ ادله موجود، آن را خلاف شرع تشخیص دهد و یا دو نفر مجتهد عادل مورد اعتماد وی چنین تشخیص بدهند و الاً خلاف موازین شرع است.</p> <p><u>۵۵_ در تبصره (۱) ماده (۴۷۷)، با توجه به ایرادی که در اصل ماده گرفته شد، در صورت تشخیص خلاف شرع بودن به شرح فوق، مقید نمودن به «فقط برای یک بار» اشکال دارد.</u></p> <p><u>۵۶_ قسمت اخیر تبصره (۲) ماده (۴۷۷) اشکال دارد و باید حذف گردد.</u></p>	<p>دادگاه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی، ارجاع می‌دهد.</p> <p>تبصره ۱_ در صورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف بین شرع تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. <u>مفاد این ماده فقط برای یک بار قابل اعمال است.</u></p> <p>تبصره ۲_ مراد از خلاف بین شرع مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه است. <u>در موارد اختلاف نظر بین فقهاء ملاک عمل، نظر ولی فقیه و یا مشهور فقهاء است.</u></p>
<p><u>در سطر اول ماده (۴۷۸) بعد از عبارت «دادرسی باشد» عبارت «یا طبق ماده (۴۷۷) اعاده دادرسی پذیرفته شده باشد» اضافه گردید.</u></p>	<p><u>۵۷_ در ماده (۴۷۸)، تکلیف اجرای حکم در مواردی که رئیس قوه قضائیه به لحاظ خلاف بین شرع بودن اعاده دادرسی را تجویز نماید، روشن نیست؛ باید این ابهام رفع گردد.</u></p>	<p><u>ماده ۴۷۸_ هرگاه رأی دیوان عالی کشور مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق می‌افتد و چنانچه از متهم تأمین أخذ نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را أخذ می‌نماید.</u></p>
<p><u>به انتهای ماده (۴۸۲) عبارت «مگر این که اعاده دادرسی از مصادیق ماده (۴۷۷) بوده و مغایرت رأی صادره با مسلمات فقهی به جهات دیگری غیر از جهت قبلی باشد.» اضافه گردید.</u></p>	<p><u>۵۸_ قسمت اخیر ماده (۴۸۲)، از جهت اینکه چنانچه تشخیص رئیس قوه قضائیه نسبت به خلاف بین شرع بودن حکم بعدی، به علت مخالفت با مسلمات فقهی دیگری باشد، مبهم است؛ پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.</u></p>	<p><u>ماده ۴۸۲_ نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود.</u></p>
<p><u>در تبصره (۲) ماده (۴۸۴) عبارت «پس از تأیید رئیس</u></p>	<p><u>۵۹_ در تبصره (۲) ماده (۴۸۴)، تصویب آئین‌نامه قضائی توسط هیأت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</u></p>	<p><u>ماده ۴۸۴_ اجرای احکام کیفری برعهده دادستان است و «معاونت اجرای احکام کیفری» تحت ریاست و نظارت وی در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عمومی عهده‌دار این وظیفه است.</u></p> <p>تبصره ۱_ ...</p> <p>تبصره ۲_ معاونت اجرای احکام کیفری یا واحدی از آن می‌تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه در زندان‌ها و یا مؤسسات کیفری مستقر شود. شیوه استقرار و اجرای وظایف آن‌ها به موجب آیین‌نامه‌ای است که</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
<p><u>قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</u> حذف و عبارت «<u>به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد</u>» جایگزین آن گردید.</p>		<p>ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p>
<p>در ماده (۴۸۵) عبارت «<u>نحوه استخدام، چگونگی فعالیت، وظایف و اختیارات مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزراء کشور و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</u>» حذف گردید.</p>	<p>۶۰_ اطلاق ماده (۴۸۵) در خصوص نحوه استخدام، چگونگی فعالیت، وظایف و اختیارات مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی از این حیث که جنبه تقنینی دارد، مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد. همچنین صلاحیت‌های اخلاقی و دینی در نحوه استخدام مددکاران باید ملحوظ نظر قرار گیرد. علاوه بر این در خصوص قسمت اخیر ماده در مورد تصویب آیین‌نامه، پس از اصلاح صدر ماده اظهارنظر خواهد شد.</p>	<p>ماده ۴۸۵_ معاونت اجرای احکام کیفری به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. <u>نحوه استخدام، چگونگی فعالیت، وظایف و اختیارات مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزراء کشور و تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</u></p>
<p>در انتهای تبصره (۱) ماده (۴۸۸) عبارت «<u>پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</u>» حذف و عبارت «<u>به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.</u>» جایگزین آن گردید.</p>	<p>۶۱_ در تبصره (۱) ماده (۴۸۸)، تصویب آیین‌نامه قضائی توسط هیأت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.</p>	<p>ماده ۴۸۸_ در هر معاونت اجرای احکام کیفری، واحد سجل کیفری و عفو و بخشودگی برای انجام وظایف زیر تشکیل می‌شود: الف_ ... تبصره ۱_ ترتیب ثبت و تنظیم این مشخصات، امکان دسترسی به این اطلاعات و چگونگی تشکیل و راه‌اندازی شبکه الکترونیکی سجل کیفری با رعایت مقررات فصل دوم از بخش هشتم این قانون راجع به دادرسی الکترونیکی و به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.</p>
<p>در ماده (۴۹۶) بعد از عبارت «<u>در مقام اجرای رأی</u>» عبارت «<u>که مرتبط با اجرای آن است</u>» اضافه گردید.</p>	<p>۶۲_ در قسمت اخیر ماده (۴۹۶) پس از عبارت «در مقام اجرای رأی» باید عبارت «در مواردی که مرتبط با اجرای رأی باشد» اضافه گردد.</p>	<p>ماده ۴۹۶_ تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمانها و نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است، در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به</p>

اصلاحیه مجلس (۱۳۹۱/۰۳/۰۶)	نظر شورا (۱۳۹۰/۱۲/۲۳)	متن مصوبه (۱۳۹۰/۱۲/۰۳)
		مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می شود.
در ماده (۴۹۷) بعد از عبارت «اجرای رأی» عبارت «با رعایت موازین شرعی و قانونی» اضافه گردید.	۶۳_ ماده (۴۹۷) باید مقید به رعایت موازین شرعی و قانونی شود و الا اشکال دارد.	ماده ۴۹۷_ رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده آن است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می شود.
***	لازم به ذکر است اشکالات عدیده و ابهامات دیگری بر این مصوبه وارد است که متعاقباً اعلام خواهد شد.	***
***	توضیحاً لایحه مذکور قبلاً به صورت غیررسمی به این شورا واصل گردیده که طی جلسات متعدد مورد بررسی قرار گرفت.	***

اداره قوانین

۱۳۹۱/۰۳/۰۸